

نقد و بررسی تحولات دادرسی در حوزه بزهکاری کودکان و نوجوانان

A Critical Examination on Proceeding Developments in Children and Adolescents Delinquency

M. Roshan, Ph.D. ✉

دکتر محمد روشن ✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

Since 1915 differential trial in proceeding for children who are facing juristic system was legislated, however went through a number of changes and fluctuation in proceedings, till 5 years ago that a legislation submitted to the parliament in order to promote proceedings and minimize inappropriate consequences.

The recent legislation while pushes for modifications in children criminal law, attempts to establish required legal structure, such as mediator, professional consultation, public prosecutor's

چکیده:

از سال ۱۳۰۴ رسیدگی‌های افتراقی در دادرسی تعارض کودکان در ایران تقنین شد. لیکن در ادوار مختلف دچار تغییرات و فراز و فرودهایی در رسیدگی‌ها به وجود آمد تا آن‌که در سال ۱۳۸۳ با هدف ارتقاء رسیدگی‌ها و کاهش اثرات نامطلوب، لایحه‌ای تدوین و به مجلس شورای اسلامی ارسال شد.

این لایحه ضمن تحول در نظام حقوق کیفری کودکان و نوجوانان تأسیس‌های مناسب از قبیل نهاد میانجی‌گری، مشاوره تخصصی، دادسرای ویژه، الزامی شدن وکیل، امکان دخالت اولیاء در جریان دادرسی،

✉ Corresponding author: Faculty of Law, Shahid Beheshti University (G.C.)
Tel: +9821-29902364
Fax: +9821-29902368
Email: m-roshan@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۴ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸
پست الکترونیک: m-roshan@sbu.ac.ir

court compulsory lawes, the possibility for guardians and parents to get involved, lawes, facilitating more suspension writ for onion offenees, exempt from minor changes and taking more presentational strategy, posponding sentene declaration, social working, special police force etc. Howevery in some aspects there are problems which has tobe taken in considesation including lack of attention to decriminalization, conflicts with international conventions, and ambiguity in the definition of puberty. It seems that the legislation needs to include necessary actions to bring the child into social humanistic, ecological, and public benefit-based activities in order to achieve the goals of the legislation.

KeyWords: Punishment, Crime, Minor, Procedure

امکان صدور قرارهای تعلیقی در جرائم سبک، عفو در جرائم تعزیری یا بازدارنده، تعویق صدور رأی، مددکاری، پلیس ویژه و غیره را دارد. لیکن در برخی مواد اشکالاتی از قبیل عدم توجه کامل به قضا‌دایی، تعارض با میثاق‌های بین‌المللی ملاحظه می‌شود و از سوی دیگر ابهام در زمینه بلوغ داشته که نیاز به بازنگری دارد.

به نظر می‌رسد لایحه باید برای بازسازی کودک معارض با قانون، پیش‌بینی الزام وی برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، انسان دوستانه، زیست محیطی و عام‌المنفعه را نماید تا آن‌که وصول به اهداف عالی‌ه تدوین لایحه میسر باشد.

کلیدواژه‌ها: دادرسی، کودک، جرم، مجازات

مقدمه

از آن‌جایی که رسیدگی به بزهکاری کودکان و نوجوانان از ابتدا (دی‌ماه ۱۳۰۴- آذرماه ۱۳۳۸) در سیستم‌های دادرسی ویژه‌ای صورت می‌گرفت که با تصویب قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب (تیرماه ۱۳۷۳) و اصلاحیه‌های بعدی آن (مهرماه ۱۳۸۱) دچار تحولاتی شد. هر یک از این قوانین دارای ابعاد مثبت و منفی می‌باشند، که با هدف ارتقاء سطح رسیدگی‌ها و کاهش اثرات نامطلوب آن روی کودکان و نوجوانان بزهکار نقد و بررسی آن‌ها مطلوب خواهد بود.

به منظور استخراج نکات مثبت و منفی وضعیت دادرسی بزهکاری کودکان و نوجوانان از بدو قانون‌گذاری، ابتدا قوانین موضوعه در دوره‌های مجزا، احصا و سپس روش رسیدگی‌ها، تبیین تا مشخص شود روش رسیدگی‌ها کیفیت مناسب‌تری یافته یا خیر؟

این تحقیق با توجه به آن‌که در حوزه علوم انسانی است، به شکل نظری و با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای از راه مطالعه و فیش‌برداری منابع صورت گرفته است.

تاکنون ۸۰ سند بین‌المللی در حوزه دادرسی حقوق کودکان به صورت مستقیم و غیرمستقیم تصویب شده است (طهماسبی، ۱۳۸۶). بر همین اساس مقارن با آن نیز در ایران دادرسی افتراقی مورد تقنین قرار گرفته (قانون مجازات عمومی، ۱۳۰۴) و در ۵ دوره به شرح زیر به صورت ویژه رسیدگی به جرایم اطفال تحت انضباط خاص قرار گرفته است:

دوره اول: بر اساس قانون مجازات عمومی از سال ۱۳۰۴ (روزنامه رسمی شماره ۸۲۸۱، ۱۳۵۲) سن مسئولیت کیفری به ترتیب نسبی و مطلق در سنین ۱۲ و ۱۸ سالگی تعیین شد. طبق این قانون اطفالی که دارای مسئولیت کیفری هستند به دو دسته از سنین ۱۲ تا ۱۵ و از ۱۵ تا ۱۸ سال طبقه‌بندی شدند. این قانون رسیدگی‌های شکلی را هدف خود قرار نداده بود و رسیدگی به جرائم سنگین اطفال از ۱۵ تا ۱۸ ساله را در دادگاه جنحه پیش‌بینی می‌کرد.

دوره دوم: بر اساس قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار (روزنامه رسمی شماره ۴۳۳۱، ۱۳۳۸) از سال ۱۳۳۸ جرایم اطفال در دادگاه‌های تخصصی فوق رسیدگی می‌شد و این قانون منشأ رسیدگی‌های شکلی و ماهوی شد. بر اساس این قانون تصمیمات دادگاه اطفال به شکل ویژه و مرکز نگهداری آنان با تأسیس کانون‌های اصلاح و تربیت، مقرر شد. در این قانون سن مسئولیت کیفری ۶ سال و سن مسئولیت کیفری مطلق ۱۸ سال و اطفال به سه دسته ۶ تا ۱۲، ۱۲ تا ۱۵ و ۱۵ تا ۱۸ تقسیم می‌شدند.

دوره سوم: بر اساس لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی (روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۹۴، ۱۳۵۸) از سال ۱۳۵۸ دادگاه‌های اطفال حذف و جرائم اطفال در دادگاه‌های عمومی رسیدگی می‌شد، لیکن دادرسی افتراقی که از دوره دوم تقنین شده بود همچنان لازم‌الاتباع بود.

دوره چهارم: بر اساس قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ از سال ۱۳۶۱ جرائم افراد بالغ ۹ و ۱۵ سال قمری (رأی وحدت رویه شماره ۶، ۱۳۶۴) در دادگاه‌های کیفری رسیدگی می‌شد. در این قانون دادگاه‌های اطفال حذف و نظام دادرسی افتراقی رسیدگی به جرایم اطفال نسخ شد.

دوره پنجم: بر اساس مواد ۲۱۹ الی ۲۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب از سال ۱۳۷۸ (روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۱۱، ۱۳۷۸) دادگاه‌های اطفال تجدید حیات شد و دادرسی آن به صورت افتراقی بار دیگر مورد پذیرش قرار گرفت و مجری شد.

شکل‌گیری دوره ششم: پس از بروز مشکلات جاری و با هدف ارتقاء سطح کیفیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان قوه قضائیه بر آن شد تا با مطالعات جامعی با همکاری اساتید دانشگاه‌ها و قضات باتجربه لایحه‌ای تدوین و به منظور تصویب به دولت تقدیم و دولت نیز در ۱۳۸۳/۹/۱۱ با تصویب هیأت وزیران آن را به مجلس شورای اسلامی ارسال نمود. این لایحه دو شوری بوده و اکنون شور اول را سپری و برای شور دوم در نوبت رسیدگی قرار دارد.

در ۱۳۸۳/۱۲/۱۷ لایحه مذکور به کمیسیون‌های مختلف ارسال شد که گزارش شور اول آن به وسیله کمیسیون قضایی و حقوقی به عنوان کمیسیون اصلی در تاریخ ۱۳۸۴/۷/۱۸ به مجلس تقدیم شده است.

علی‌رغم آن‌چه در گزارش کمیسیون آمده، کلیه اصلاحات کمیسیون به ۴ مورد در مواد ۱۶، ۱۹، ۲۴ و ۲۶ منحصر است که به ترتیب در ۳ ماده اول فعل نموده و برای ماده آخر فعل شده به متن اصلی اضافه گردیده است. البته می‌توان این نوع اصلاح را به دلیل متن متقن و دقیق لایحه دانست اما به نظر می‌رسد با توجه به اظهارنظرهایی که توسط اساتید فقه و حقوق در مورد لایحه شده است، این لایحه از لحاظ شکلی و ماهوی قابل ارتقا باشد.

این لایحه نظام حقوق کیفری کودکان و نوجوانان را نظام‌مند خواهد نمود و با توجه به الحاق جمهوری اسلامی ایران (قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون، ۱۳۷۲) به کنوانسیون حقوق کودک (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۸۹) و تعهدات بین‌المللی تصویب این قانون، رویکردی مثبت به انجام معاهدات بین‌المللی تلقی می‌شود. از سوی دیگر ضمن همگرایی بین‌المللی در زمینه حقوق کیفری کودک الزاماً باید واکنش‌های اجتماعی در برابر کودکان معارض با قانون، در معرض خطر، بزه‌دیده و شاهد درجه‌بندی شود.

از تأسیس‌های مناسب این قانون می‌توان نهاد میانجی‌گری، مشاوره تخصصی، دادرسی ویژه، الزامی شدن وکیل، امکان دخالت ولی یا سرپرست در جریان دادرسی، قرار موقوفی تعقیب یا تعلیق در جرائم سبک، گذشت از جرائم تعزیری یا بازدارنده، تعویق صدور رأی، آموزش به عنوان کیفر تنبیهی، سقوط مجازات در موارد تردید با عروض شبهه در رشد عقلی، عدم تشدید مجازات با تکرار آن، عدم ثبت در سجل کیفری، مددکاری ویژه و در آخر تشکیل پلیس ویژه کودکان از نکات مثبت و برجسته این لایحه و موجب تحول در نظام دادرسی کودکان خواهد شد.

با توجه به طرح لایحه فوق، محور بررسی‌ها در این مقاله، لایحه مذکور قرار داده می‌شود تا با مقایسه آن و قوانین سابق نسبت به تحلیل تغییرات از نظر تحولات مثبت یا منفی، ارزیابی صورت گیرد. بر همین اساس بحث در ۴ محور اشکالات، ابهامات، امتیازات و بایسته‌های حقوقی دنبال خواهد شد.

بخش اول: اشکالات

- در عنوان لایحه از الفاظ اطفال و نوجوانان استفاده شده و بهتر است به جای دو لفظ عربی و فارسی هر دو یکسان شوند و عنوان لایحه با عبارت: لایحه رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان اصلاح شود.

- ماده ۱۵ لایحه با سیاست قضازدایی منافات دارد و اولی است که به جای ارجاع به دادسرا یا دادگاه با توجه به تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان، این نقش به پلیس تخصصی واگذار شود لیکن به لحاظ رعایت حال جامعه برای مثال محدود به اولین جرم ارتكابی یا سایر قیودی شود که باعث تشجیع کودک نشود.

- علی‌رغم روح حاکم بر ماده و اهداف تربیتی و اصلاحی مجازات به ویژه در مورد کودکان در ماده ۳۴ دادگاه، فقط یک‌بار حق تجدیدنظر در احکام صادره را دارد که به نظر می‌رسد باز گذاشتن دست قاضی در این خصوص با آوردن قیود مناسب اولی است.

- تصمیم به تجدیدنظر در حکم صادره منوط به مضمی یک سوم دوران محکومیت شده است که این محدودیت با اهداف لایحه منافات دارد.

- در بند ۵ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از ۱۸ سال صادر نمی‌شود... و از آن جایی که ماده ۹ قانون مدنی اشعار می‌دارد: مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است، در این جا تعارض قانونی ملاحظه که باید به نحو مناسب حل شود.

- در تصویب قوانین مربوط به جرایم اطفال و نوجوانان باید به اختلاف نظرات فقها و مراجع عظام در خصوص سن بلوغ دقت شود. اکنون با توجه به وظیفه مجلس شورای اسلامی و سپس شورای نگهبان، در صورت عدم توافق بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام باید به اقتضای مصالح عامه نظر مصابی داشته تا رفع معضل شود.

بخش دوم: ابهامات

- اگرچه بلوغ شرعی بنا بر نص صریح قانون مدنی (ماده ۲۱۰ قانون مدنی، ۱۳۷۰) برای دختران ۹ و برای پسران ۱۵ سال قمری در نظر گرفته شده است ولی تبصره ذیل ماده ۲ لایحه که طفل را تعریف به کسی که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد، نشان از عدم رغبت تدوین‌کنندگان به ذکر آن دارد.

- در ماده ۲۰ مشخص نشده که آیا نماینده کانون اصلاح و تربیت به صورت عام پیش‌بینی شده و شمول آن در برگیرنده اطفالی است که صرفاً در کانون نگهداری و از کانون برای رسیدگی اعزام می‌شوند یا آن که در هر رسیدگی حضور ایشان لازم است. حضور عام نماینده کانون با توجه به محدودیت پرسنل و آن که در مورد کودکانی که اصولاً در کانون نگهداری نمی‌شوند و نماینده کانون نیز نسبت به آنان هیچ‌گونه علم و اطلاعی ندارد، زیاد قابل توجیه نیست.

- بر اساس بند ب ماده ۳۲ در خصوص تسلیم طفل به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل بداند ... تبصره‌ای ذیل بند هـ آورده شده است که: تصمیمات مذکور در

بندهای د و ه صرفاً در خصوص اطفال و نوجوانان بیش از ۱۲ سال و تا ۱۵ سال قابل اجرا خواهد بود. بنابراین تعیین میزان سن ۱۲ سال تا ۱۵ سال بر چه اساس بوده است؟ سن نوجوانی چه سنی است؟ در این لایحه اصولاً آوردن قیدهای اطفال و نوجوان با ابهام است.

بخش سوم: امتیازات

- با توجه به ماده ۲ و تعریف طفل، از آنجایی که در لایحه صرفاً برای افراد ۹ تا ۱۵ و ۱۵ تا ۱۸ ساله مجازات تعیین شده است، عملاً کودکان زیر ۹ سال با توجه به اصول تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم فاقد مسئولیت کیفری بوده و از مجازات معاف می‌باشند.
- ماده ۱ لایحه به حقوق مکتسبه در هنگام وقوع جرم اشعار دارد و لذا مقرر شده است در صورت تجاوز، سن متهم از ۱۸ سال شمسی در هنگام رسیدگی، به اتهام به شرطی در دادگاه عمومی رسیدگی خواهد شد که متهم از کلیه حقوقی که در دادگاه اطفال و نوجوانان برخوردار می‌باشد، در این دادگاه نیز بهره‌مند گردد.
- بر اساس ماده ۵ لایحه، پیش‌بینی ۲ عضو مشاور بدون داشتن حق رأی را می‌توان به عنوان یکی از مزایای این قانون محسوب نمود، به‌علاوه در مواردی که متهم اناث باشد الزاماً یکی از مشاوران نیز باید از بین مشاوران زن انتخاب گردد.
- تبصره ۲ ذیل ماده ۱۰ که امکان رسیدگی را به محل وقوع جرم، دستگیری و اقامت توسعه داده و آن را به تشخیص دادگاه موکول کرده است، از محاسن این لایحه محسوب می‌شود.
- بر اساس ماده ۱۴ لایحه تعطیلی دادرسی مفهوم نخواهد داشت و لذا در صورت وجود طفل معارض با قانون که مبادرت به انجام جرم مشهود نموده باشد، باید بی‌درنگ به دادرسی تحویل شود.
- پیش‌بینی مجازات تعلیقی در ماده ۱۵ از محاسن لایحه است. همچنین تأسیس حقوقی جدیدی به نام میانجی در ماده ۱۶ به عمل آمده است.
- بر اساس ماده ۱۷ لایحه در جرائمی که مستوجب حد نباشند، قابلیت توقف اجرای حکم با سازش طرفین می‌باشد و لذا با گذشت شاکی اجرای حکم متوقف خواهد شد.
- رسیدگی فوری و بر حسب آمادگی متهم، وکیل و اولیای طفل که در تبصره ۲ ذیل ماده ۱۹ لایحه پیشنهادی آمده است از مواردی است که مناسب حال طفل است. همچنین رسیدگی غیابی بنا بر اقتضای مصلحت طفل.
- بر اساس ماده ۲۵ لایحه، تعویق در رسیدگی تا ۲ سال و اجرای حکم بر اساس نظر مددکار اجتماعی و نهایتاً صدور قرار موقوفی تعقیب، تخفیف و معافیت از مجازات از تأسیس‌های مناسب و جدید خواهد بود. بر اساس ماده ۳۰ این لایحه کلیه جرائم تعزیری و بازدارنده قابل گذشت می‌باشند.

- تبصره ذیل ماده ۳۳ که اقامت اجباری در منزل در ساعاتی که دادگاه تعیین می‌کند پیش‌بینی نموده است، شیوه مناسبی برای تأدیب است.

- بر اساس ماده ۳۵ این لایحه در جرایمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، هرگاه در رشد عقلی کودک شبهه‌ای عارض گردد، دادگاه وی را برای تشخیص به پزشکی قانونی ارجاع خواهد داد. وفق تبصره ذیل همین ماده برای تشخیص رشد و کمال عقلی در کودک معارض با قانون قاضی می‌تواند به هر طریق دیگری که مقتضی بداند، تعیین تکلیف کند، لذا راه‌کار تشخیصی در این خصوص توسعه داده شده که به نوبه خود نوآوری محسوب می‌شود.

- بر اساس ماده ۳۷ تعدد جرم، تعدد مجازات را به دنبال نخواهد داشت و صرفاً باعث تعیین مجازات اشد خواهد شد، این نوع محکومیت در نوع خود یک تأسیس جدید و نوآوری در قانون‌گذاری خواهد بود که دارای نتایج مثبت و منفی می‌باشد.

- ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان که در ماده ۵۳ آمده است از نقاط قوت این لایحه است. ولی گردش کار طولانی آن (وزارت کشور و دادگستری متن پیشنهادی را تهیه و سپس به تصویب هیأت دولت رسانیده و برای جری تشریفات قانونی لایحه به مجلس شورای اسلامی ارسال می‌گردد) با خوش‌بینی حداقل ۴ سال پس از تصویب اصل لایحه، به صورت قانون درخواهد آمد.

به نظر می‌رسد اگر مجلس شورای اسلامی تصویب آن را به عهده هیأت دولت واگذار نماید، سریع‌تر، مناسب‌تر و انفع به حال باشد.

بخش چهارم: بایسته‌های حقوقی

در بخش ب آراء و تعمیمات ماده ۳۲ در بندهای الف و ... اطفال بین ۹ تا ۱۵ سال در صورت ارتکاب جرم حسب مورد، دادگاه تصمیماتی را اتخاذ می‌نماید که علاوه بر موارد مندرج در لایحه به نظر می‌رسد: معرفی طفل برای مشارکت در انجام فعالیت‌های اجتماعی انسان دوستانه و یا عام‌المنفعه نیز مناسب باشد.

حسب ماده ۴۹ قضات دادگاه‌ها باید هر یک ماه حداقل یک بار بازدید داشته باشند، به نظر می‌رسد هر چه مدت حداقلی را بتوان به میزان ممکن کاهش داد مناسب‌تر باشد. اصولاً تخصیص یک روز کاری به حضور در مراکز با نصاب مشخص احکام صادره که منتهی به حبس در مراکز شده‌اند، مناسب‌تر است وگرنه بازدیدها صرفاً اداری و رافع مسئولیت خواهند شد.

در پایان، با توجه به مدت باقی‌مانده بنابر آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، صرفاً اعضای کمیسیون اصلی امکان ارائه پیشنهاد به صحن علنی برای اصلاح و یا حذف مواد را دارا هستند و اولی است که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از تنها فرصت اصلاح لایحه پیشنهادی استفاده

نموده و مواردی که به عنوان نقص، ابهام و یا اشکال تلقی می‌نماید را از طریق توجیه اعضای کمیسیون اصلی و از مجرای آنان اقدام به اصلاح نماید.

نتیجه

برای رسیدگی به بزهکاری کودکان معارض با قانون از سال ۱۳۰۴ دادرسی‌ها افتراقی شد، لیکن در ادوار مختلف فراز و فرودهایی به وجود آمد تا آن‌که در سال ۱۳۸۳ با هدف ارتقاء سطح رسیدگی‌ها و کاهش اثرات نامطلوب، لایحه‌ای تدوین و به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در این لایحه تأسیس‌های مناسب از قبیل نهاد میانجی‌گری، مشاوره تخصصی، دادسرای ویژه، الزامی شدن وکیل، امکان دخالت اولیاء در جریان دادرسی، امکان صدور قرارهای تعلیقی در جرائم سبک، عفو در جرایم تعزیری یا بازدارنده، تعویق صدور رأی... مددکاری و پلیس ویژه به عمل آمده است ولی در برخی مواد اشکالاتی وجود داشته که باید رفع شود که مهم‌ترین آن رفع ابهام در بلوغ است زیرا سن بلوغ نقش کلیدی در کارآمدی لایحه خواهد داشت و لازم است با اجتهادی پویا و لحاظ زمان، مکان و مقتضیات روز سن بلوغ را ارتقاء داد، در غیر این صورت این نقیصه همه نوآوری‌ها و تأسیسات نوین و محاسن لایحه را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

منابع

۱. قانون تشکیل دادگاه بزهکار مصوب (۱۳۳۸/۹/۱۰)
۲. قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب تیرماه ۱۳۷۳ و اصلاحیه بعدی آن مهر (۱۳۸۱)
۳. طهماسبی، ج، (۱۳۸۶). تحولات دادرسی اطفال در حقوق ایران، ماهنامه تعالی حقوق - سال دوم - فروردین و اردیبهشت، انتشارات مجتمع قضایی خانواده شماره یک تهران
۴. لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مصوب (۱۳۸۳/۹/۱۱) هیأت وزیران
۵. قانون مجازات عمومی مصوب (۱۳۰۴)
۶. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب (۱۹۶۶)
۷. قانون مدنی مصوب (۱۳۰۷)
۸. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب (۱۳۷۸)
۹. قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ مصوب (۱۳۶۱)
۱۰. لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب (۱۳۵۸)
۱۱. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب (۱۳۷۸/۷/۱۸)
۱۲. کنوانسیون حقوق کودک مصوب (۱۹۸۹)
۱۳. قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب (۱۳۷۲/۱۲/۱)
۱۴. روزنامه رسمی